



مشرق در دو افق

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ

وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ

عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

حجرات (۴۹)، ۱۳

محمودی، ابوالفضل، ۱۳۳۸-

مشرق در دو افق مقدمه‌ای بر مطالعه مقایسه‌ای عرفان اسلامی و هندویی (ابن عربی، شنکره و رمانوچه) / ابوالفضل محمودی، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲.

۴۲۰ص - (دانشگاه ادیان و مذاهب؛ ۱۰۶)

یادداشت: چاپ دوم، تابستان ۱۴۰۰

ISBN: 978-600-6730-02-8

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

نمایه.

۱. ابن عربی، محمد بن محمد، ۵۶۰ - ۶۳۸ ق. ۲. شانکارا، ۷۸۸ - ۸۲۱ م. ۳. رمانوچه، ۱۰۱۷ - ۱۱۳۷ م. ۴. Ramanuga. ۵. عرفان. ۶. عرفان هندی، ۷. عرفان — مطالعات تطبیقی. الف. دانشگاه ادیان و مذاهب. ب. عنوان.

۲۹۱/۴۳

۵ م ۳ / م ۶۲۵ BL

۲۸۹۳۴۰۵

کتابخانه ملی ایران

مشرق در دو افق

مقدمه‌ای بر مطالعه مقایسه‌ای عرفان اسلامی و
هندویی (ابن عربی، شنکره و رامانجه)

دکتر ابوالفضل محمودی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی)

- واحد علوم و تحقیقات تهران



انتشارات نگاه‌های دین‌ناهب

معاونت پژوهش

۱۴۰۰



قم، پردیسان، روبه‌روی مسجد امام صادق (علیه‌السلام)، دانشگاه ادیان و مذاهب.

تلفن: ۰۲۵-۳۳۸۰۲۶۱۰-۱۳ ، ۰۲۵-۳۳۸۰۳۱۷۱

تلفکس مرکز پخش و فروش: ۰۲۵-۳۳۸۰۶۶۵۲

فروشگاه اینترنتی:

@Libadyan

@ketabsara_adyan

www.Adyanpub.com

مشرق در دو افق

مؤلف: دکتر ابوالفضل محمودی

(عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات تهران)

ناشر: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

نوبت چاپ: دوم، تابستان ۱۴۰۰

طراح: مهدی محمدی شجاعی، شهرام بردبار

چاپ: موسسه بوستان کتاب

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

مرجع قیمت: وبسایت رسمی انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۷۳۰۰۰۲-۸

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

تقدیم

به او

و همه جوانی که درسی از محضرشان آموختم

فهرست

مقدمه.....	۱۱
بخش اول: پیشینه آموزه‌های اصلی.....	۲۱
۱: از ود/ تا ودانته.....	۲۳
مقدمه.....	۲۳
الف: ویژگی‌های مکاتب فکری هندی.....	۲۴
ب: مراحل اصلی تحول اندیشه هندی.....	۲۸
۱. ود/ها.....	۳۱
مقدمه.....	۳۱
آموزه‌های اصلی.....	۳۴
الف: پرستش خدا در ود/ها.....	۳۴
ب: جهان‌شناسی ود/ها.....	۴۳
ج: مفهوم مایا در ود/ها.....	۴۷
د: آتمن و زندگی پس از مرگ.....	۴۸
۲. اوپنیشدها.....	۴۹
مقدمه.....	۴۹
آموزه‌های اصلی.....	۵۲
الف: برهمن یا حقیقت غایی.....	۵۳
ب: آتمن یا خود حقیقی فرد.....	۵۸
ج: همانی آتمن و برهمن یا خود و خدا.....	۶۳
د: مراتب حقیقت و یا نظام سلسله مراتبی موجودات.....	۶۵

- ه: برهمن و آفرینش ۶۶
- و: مفهوم مایا ۶۷
- ز: تناسخ و کرمه ۶۸
۳. برهمه سوتره ۷۰
- ۲: از آیات قرآنی تا حکمت عرفانی ۷۵
- مقدمه ۷۵
- الف: نگاهی به خاستگاه و مراحل اصلی تاریخ تصوف اسلامی تا ابن عربی ۷۶
- ب: پیشینه اندیشه‌های اساسی ابن عربی ۸۳
- بخش دوم: مروری بر زندگی، آثار و آموزه‌های اساسی سه اندیشمند ۹۱**
- ۳: شنکره ۹۳**
- الف: زندگی ۹۳
- ب: آثار ۹۷
- ج: روش و هدف ۹۸
- د: اندیشه‌های اساسی ۱۰۰
۱. برهمن، حقیقت غایی یا امر یگانه ۱۰۰
۲. آتمن ۱۰۲
۳. همانی برهمن - آتمن ۱۰۲
۴. برهمن و جهان ۱۰۳
۵. دو سطح معرفت ۱۰۴
۶. مایا و اویدیا ۱۰۵
- ۴: رامانوجه ۱۰۷**
- الف: زندگی ۱۰۷
- ب: آثار ۱۰۹
- ج: روش و هدف ۱۰۹
- د: اندیشه‌های اساسی رامانوجه ۱۱۱
۱. مطلق یا برهمن ۱۱۲
۲. روح یا «چیت» ۱۱۲
۳. جهان مادی یا «آچیت» ۱۱۳

۴. رابطه برهمن با ارواح و جهان مادی ۱۱۳
۵. رامانوجه و نقد نظریه «مایا»ی شنکره ۱۱۵
- ۵: محی‌الدین ابن عربی ۱۱۷
- الف: زندگی ۱۱۷
- ب: آثار ۱۱۹
- ج: اندیشه‌های اساسی ۱۱۹
۱. هستی‌شناسی ۱۱۹
- حقیقت هستی و نیستی ۱۲۰
- اقسام هستی ۱۲۱
- احکام هستی ۱۲۱
۲. خداشناسی ۱۲۶
- اسماء و صفات الهی ۱۲۶
- تشبیه و تنزیه ۱۲۹
۳. جهان‌شناسی ۱۳۰
- آفرینش یا تجلی ۱۳۰
- عشق و آفرینش ۱۳۱
- آفرینش و «نفسِ رحمانی» ۱۳۲
- حق و خلق و حقیقت عالم ۱۳۳
- بخش سوم: تشریح و مقایسه آموزه‌های اصلی ۱۳۷
- مقدمه ۱۳۹
- ۶: معرفت و منابع آن ۱۴۳
- جمع‌بندی ۱۵۵
- ۷: «هستی»: ارزش و اصالت ۱۵۹
- الف: ارزش ذاتی «هستی» ۱۶۰
- ب: «هستی» و رهایی ۱۶۱
- ج: «هستی» و آگاهی ۱۶۳
- د: «هستی»، اصل همه چیز ۱۶۴
- ه: «هستی» و «حق» ۱۶۷

۱۶۹.....	جمع‌بندی
۱۷۳.....	۸: ست؟ هستی؛ حقیقت: وحدت یا کثرت؟
۱۷۳.....	مقدمه
۱۷۵.....	الف: وحدت
۱۸۴.....	ب: کثرت
۱۹۲.....	ج: مایا و خیال: چیستی و ویژگی‌ها
۲۱۹.....	د: کثرت‌اندیشی
۲۳۷.....	جمع‌بندی
۲۴۱.....	۹: خدا و جهان
۲۴۲.....	الف: مفهوم آفرینش
۲۷۱.....	ب: آفرینش و هدف
۲۸۵.....	جمع‌بندی
۲۸۹.....	۱۰: خدا و «خود»
۲۸۹.....	الف: دریافت یا اثبات «خود»
۲۹۴.....	ب: برهمن، الله و «خود»
۳۱۵.....	ج: ویژگی‌های اصلی «خود»
۳۳۲.....	د: مراتب وجود «خود»
۳۳۸.....	جمع‌بندی
۳۴۳.....	۱۱: رهایی (مکشه، فنا)
۳۴۳.....	مقدمه
۳۴۴.....	الف: چیستی مکشه و فنا
۳۶۳.....	ب: روش وصول
۳۸۷.....	ج: آثار و نتایج
۴۰۴.....	جمع‌بندی
۴۱۱.....	فهرست منابع و مآخذ
۴۱۱.....	منابع فارسی و عربی
۴۱۳.....	منابع انگلیسی
۴۱۷.....	نمایه

هو الحق

مقدمه

مطالعات تطبیقی و یا به تعبیر دقیق‌تر «مقایسه‌ای»، در همه عرصه‌های علوم و معارف بشری می‌تواند مفید و روشنگر باشد، اما گمان می‌کنم چنین مطالعاتی در حوزه علوم انسانی با معناتر و ثمربخش‌تر از سایر حوزه‌هاست. از میان عرصه‌های مختلف علوم انسانی، الهیات نیز به دلیل پیوند و ارتباطی که با روح و جان آدمیان دارد و به دلیل گستردگی دامنه، و وسعت شمول آن، زمینه بیشتری برای چنین مطالعاتی دارد.

چنین مطالعه‌ای به صورت‌های مختلف ممکن است انجام شود؛ می‌تواند بر اساس موضوع مشخص، یا افراد مشخص یا مکتب، مذهب یا دین خاص صورت گیرد. در حوزه الهیات نیز ممکن است موضوع یا موضوعاتی بین افراد یا مذاهب یا ادیان مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. اهداف مختلفی را نیز می‌توان برای این‌گونه مطالعات در نظر گرفت؛ از قبیل ارزیابی، نقد و قدح نظریه و یا عقیده رقیب، شناخت بیشتر یک اندیشه که معمولاً در مقایسه خود را بهتر آشکار می‌سازد، و یا تبارشناسی اندیشه‌ها.

اما مقصود نگارنده از مطالعه مقایسه‌ای، که در حد توان کوشیده‌ام در این اثر نیز بدان ملتزم باشم، گزارشی است منصفانه بر اساس متون اصلی و معتبر، از وجوه مختلف دو یا چند مکتب یا اندیشه کاملاً یا نسبتاً هم‌تراز^۱ به منظور رسیدن به وجوه اشتراک و افتراق آنها؛ این مقایسه

۱. مقصود اعتبار، وزانت یا اهمیت مکاتب یا افراد مورد مقایسه در زمینه فرهنگی خویش است.

می‌تواند تنها بر موضوع و یا موضوعاتی خاص میان دو یا چند مکتب یا اندیشه‌هایی خاص از اندیشه‌های دو یا چند فرد متمرکز باشد، و البته هر کدام از این روش‌ها لوازمی دارد که باید بدان ملتزم بود؛ مثلاً در مقایسه فرد محور که یک فرد و نه مکتب او مورد نظر است (مثلاً شخص ابن عربی و نه مکتب او) نمی‌توان همه نظر شارحان او را نظر او دانست، مگر در مواردی که نظر شارح تنها از نظر او رفع ابهام می‌کند و آن را توضیح می‌دهد که طبیعتاً باید متکی به شواهد و قرائنی در آثار او باشد.

در زبان پارسی در حوزه علوم و معارف دینی به طور عام، مطالعات مقایسه‌ای در شکل علمی آن هنوز از جایگاهی که شایسته آن است برخوردار نشده و بسیاری از زمینه‌ها از این جهت هنوز بکر و دست نخورده باقی مانده است. بدون آن که بخواهیم کارها و آثار دانشورانی همچون ابوریحان بیرونی را در این زمینه نادیده بگیریم، حقیقت این است که مطالعات اندکی نیز که در گذشته گاه در معرفی و مقایسه میان مذاهب و یا ادیان صورت پذیرفته است، نوعاً با هدف اول یعنی قدح و تخریب مذهب و عقیده رقیب و اثبات حقانیت خویش صورت پذیرفته است و کمتر کسی منصفانه و عالمانه برای درک حقیقت در این راه گام نهاده است. پر واضح است که با چنین شیوه و نیتی نمی‌توان حقیقت را آن‌گونه که هست آشکار ساخت. چنین شیوه‌ای به جای آن که موجب تفاهم شود، بر سوء تفاهم‌ها می‌افزاید و نفرت و بدگمانی را برمی‌انگیزد. اما اگر بدون پیش‌داوری و با هدف پرده‌برداری از سیمای حقیقت صورت گیرد، کمترین فایده‌اش ایجاد درک متقابل برای همدلی بیشتر و رفع سوء تفاهم‌ها و پیش‌داوری‌ها و ایجاد شرایطی است که انسان‌ها فارغ از تیره‌سازی غرض‌های ناصواب بتوانند ببیندیشند، بفهمند، و داوری و انتخاب کنند.

در سال‌های اخیر به تدریج گرایش به این نوع تحقیقات با هدف فهم

و درک بیشتر در سراسر جهان رو به فزونی است در کشور ما نیز آثار چنین گرایشی هرچه بیشتر مشاهده می‌شود و امید به آینده‌ای فارغ از هر نوع پیش‌داوری و جزم‌اندیشی جاهلانه را بارورتر می‌سازد.

در عرصه الهیات، مطالعات محدودی که در حوزه عرفان مقایسه‌ای صورت گرفته است، حقیقت‌شگفت‌آوری را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که در اینجا که با ژرف‌ترین لایه‌های وجود آدمی سروکار دارد، بیش از هر جای دیگر می‌توان همدلی که سهل است، هم‌سخنی را نیز مشاهده کرد. در بررسی و تأمل آراء ابن عربی، اکهارت، شنکره، رامانوجه و عارفان بودایی و دائوی و در فراسوی رنگ و بوی شرایط تاریخی و اقلیمی آنها می‌توان شجره طیبه‌ای را مشاهده کرد که اصل آن در سرشت مانای روح و جان آدمی قرار دارد و شاخه‌های آن در آسمان هر اقلیمی با رنگ و بویی خاص به شکوفه نشسته است.

چنین دستاورد مبارکی، ثمرات گوناگون می‌تواند داشته باشد؛ از جمله اثبات اصالت و حقانیت اولاً یک گوهر معنوی در وجود انسان که به این کشش‌ها و کوشش‌ها دامن می‌زند و دیگر، حقیقتی که موضوع و متعلق این کشش و کوشش است. ثمره دیگر این امر این است که در دورانی که به هر دلیل، درست و یا نادرست، قرائت‌های سستی از مفاهیم و آموزه‌های دینی به تدریج با بی‌اعتنایی انسان امروز روبرو می‌گردد، عرفان و سیمای معنوی و عرفانی ادیان احتمالاً مناسب‌ترین چیزی است که در خلأ پیش آمده می‌تواند به زندگی انسان هدف و معنا ببخشد.

با این همه، و با وجود این آثار و ضرورت‌ها، مطالعات زیادی در این زمینه صورت نگرفته؛ به ویژه تحقیقاتی که یک سوی آن عرفان اسلامی و نماینده برجسته آن ابن عربی باشد بسیار محدود است و گمان می‌کنم مهم‌ترین کاری که در این زمینه انجام شده، اثری است که ایزوتسو در مقایسه میان تصوف و آئین دائو به وجود آورده و اخیراً نیز اثری در

مقایسه وحدت وجود ابن عربی و اکهارت به زبان پارسی انتشار یافته است و تا جایی که نگارنده می‌داند، در زمینه مقایسه شنکره یا رامانوجه با ابن عربی، کاری صورت نگرفته است.^۱

به جز اینها مهم‌ترین آثاری که در عرفان تطبیقی تألیف شده، یکی اثری است که رودولف اوتو با عنوان *عرفان در شرق و غرب* در مقایسه اکهارت و شنکره انجام داده و اثر دیگر کار سوزوکی در مقایسه عرفان مسیحی و ذن بودایی است. در میان این آثار جای تحقیقی مقایسه‌ای میان عرفان اسلامی با نمایندگی ابن عربی، با عرفان هندویی یا بودایی خالیست.

سال‌هاست که این نظریه مطرح می‌شود که آنچه به عنوان تصوف و یا عرفان اسلامی شهرت دارد، از آئین برهمنی یا بودایی متأثر است. شواهدی تاریخی و غیر تاریخی نیز بر این مطلب اقامه می‌شود، اما تاکنون کمتر مطالعه‌ای مستند و مستدل در این زمینه انجام شده است. دلیل عمده گویندگان چنین سخنی شباهت‌های متعددی است که میان عرفان اسلامی و اندیشه‌های هندویی و یا بودایی وجود دارد. اما حقیقت این است که صرف وجود شباهت نمی‌تواند لزوماً دلیل بر تأثیر و تأثر باشد، زیرا می‌توان چنین شباهت‌هایی را در سایر عرفان‌های بزرگ و حتی در مواردی که احتمال تأثیر و تأثر به‌راحتی قابل اثبات نیست، مشاهده کرد. با وجود آن که نمی‌توان داد و ستدهای فرهنگی اقوام مختلف بشری را در طول تاریخ انکار کرد، اما بعید می‌دانم که بتوان همه ظهورهای مختلف عرفان را که معمولاً در اساس و اندیشه‌های اصلی مشترک هستند، به این تأثیر و تأثرها منسوب داشت. عرفان از عمیق‌ترین

۱. البته در سال‌های اخیر، پس از نگارش این اثر، تا جایی که نگارنده می‌داند، رساله‌هایی در مقطع دکتری که یک‌سوی آن ابن عربی است انجام گرفته که از میان آنها می‌توان به دو اثر اشاره کرد؛ اثر منتشر شده دکتر محمدجواد شمس با عنوان *تشبیه و تنزیه* که نشر ادیان آن را منتشر ساخته است و دیگر *مقایسه ابن عربی و فیلون* که توسط خانم دکتر حاج‌ابراهیمی انجام شده و آماده انتشار است.

نیازها و گرایش‌های آدمی سرچشمه می‌گیرد، بنابراین اگر به سرشتِ واحد و نیازهای مشترک آدمیان باور داشته باشیم بروز این حالات و اندیشه‌های مشترک که از آن سرشتِ واحد و نیازهای مشترک برمی‌خیزند امری طبیعی است، که به تعبیر/وتو «شانگر نوعی ارتباط باطنی در انواع تجربیات انسانی و حیات معنوی هستند... و منعکس کننده تشابه و همانی‌های موضوعی هستند که می‌خواهند آن را بیان کنند»^۱

از آنچه گفته شد، سه نکته را در نظر داشته‌ام؛ ۱- سودمندی و ضرورت مطالعات تطبیقی در حوزه علوم انسانی به طور عام و در الهیات به طور خاص و در عرفان به طور اخص، ۲- سودمندی مطالعه تطبیقی میان عرفان اسلامی و عرفان‌های شرقی، ۳- بیان این که شباهت‌هایی که در مطالعات تطبیقی میان باورها و اندیشه‌ها مطرح می‌شود لزوماً به معنای اخذ و اقتباس یکی از دیگری نیست، و این نوشتار نیز درصدد اثبات یا نفی چنین چیزی نمی‌باشد.

با توجه به این نکات اگر بنا باشد مقایسه‌ای میان عرفان اسلامی و هندویی صورت گیرد طبیعتاً باید برجسته‌ترین نمایندگان هرکدام از این دو مورد مطالعه قرار گیرند. به‌طور قطع ابن‌عربی از برجسته‌ترین نمایندگان عرفان اسلامی به ویژه عرفان نظری است و در میان اندیشمندان هندو، شنکره و رامانوجه بنیان‌گذاران و سخنگویان دو گرایش اصلی مکتب ودانته یعنی ادوایته ودانته، و ویشیشتادوایته، هم به دلیل نقش و اهمیت آنها در اندیشه هندو، و هم به دلیل قرابت فکری، مناسب‌ترین دانشمندانی بودند که می‌توانستند موضوع مطالعه و مقایسه قرار گیرند. لازم است اشاره کنم که مکتب ودانته از میان مکاتب گوناگون فلسفی - عرفانی هندو، برجسته‌ترین و مطرح‌ترین آنهاست، که امروزه نیز حتی در بیرون قلمرو اندیشه هندو، و در کشورهای غربی، با

1. Otto, *Mysticism East and West*, p. 14.

توجه و اقبال روبرو شده است. اما این که چرا از شخصیت‌های ودانته، دو شخص را برای این مطالعه برگزیدیم، دلیل آن عمدتاً این بود که در مطالعات اجمالی و ابتدایی دریافته بودم که آراء و اندیشه‌های ابن‌عربی در میان آراء این دو، در نوسان است از جنبه‌ای به شنکره و از جهتی به رامانوجه نزدیک می‌شود. چنین گزینشی اگر چه بر مشکلات کار بسیار افزود و حجم متونی که باید مطالعه می‌شد بسیار بیشتر شد، اما از آن جهت که مطالعه در این حوزه را نسبتاً کامل می‌نمود، مفید و لازم بود.

از مطالب فوق معلوم می‌شود که نوشتار حاضر مقایسه‌ای فردمحور است، یعنی موضوعاتی خاص از اندیشه‌های سه فرد مورد توجه قرار گرفته‌اند، و شاید مناسب‌تر باشد که بگوییم فرد - موضوع محور؛ از این رو در نوشتار حاضر سعی نگارنده بر این بوده است جز به ضرورت و برای روشن‌تر شدن مطلب به آراء پیروان مکتب آنها استناد نکند، در موارد استناد نیز معمولاً برای توجه مخاطب به نام او تصریح شده است. شیوه نگارنده آن بوده تا با مراجعه به آثار اصلی اندیشمندان فوق (و البته در مورد حکیمان ودانته، ترجمه‌های انگلیسی معتبر و استاندارد آثار آنها) و نیز آثار و شروح معتبری که درباره اندیشه‌های آنان نوشته شده است، به نظریات آنان در موضوعات مورد نظر، دست یابد. از این رو همان گونه که از پانویس‌ها و منابع آخر کتاب مشخص است، مهم‌ترین منبع مورد استفاده اینجانب در معرفی فیلسوفان ودانته، شروح آنها بر *ودانته سوتره* و سایر آثاری است که معمولاً به صورت شرح بر متون مقدس هندو از قبیل *بهگودگیتا* و *اوپنیشدها* نوشته‌اند. به جز اینها معتبرترین آثاری که مورد استفاده اینجانب در سراسر این اثر قرار گرفته و برترین منابع فلسفه هندو محسوب می‌شوند، عبارتند از کتاب پنج جلدی *تاریخ فلسفه هندی* اثر فیلسوف فقید سورند راناته داسگوپتا، که به تعبیر استاد معظم جناب دکتر مجتبابی، چونان شناگری بود که با تبحر تمام در

اقیانوس فلسفه و اندیشه هندی غوطه‌ور بود و بر آن احاطه داشت؛ فلسفه هندی نوشته دانشمند و فیلسوف برجسته دیگر هندی رادهاکریشنان، که علاوه بر تسلط بر فلسفه هندی بر فلسفه و اندیشه فیلسوفان غرب نیز مسلط بود، و دیگر خطوط کلی فلسفه هندی اثر پروفیسور هیرینه، که از آثار معتبر دیگر فلسفه هندی است؛ عرفان؛ شرق و غرب اثر رودولف اوتو اثر ارزشمند دیگری بود که فراوان از آن بهره برده‌ام. در مورد ابن عربی نیز دو اثر ارزشمند ابن عربی *فصوص الحکم* و *فتوحات مکیه* دو اثر اصلی مورد استناد و مراجعه اینجانب بوده است. البته در توضیح مطالب فصوص معمولاً از دو شرح بهره برده‌ام؛ یکی شرح *فصوص الحکم* داود قیصری و دیگر شرح *فصوص الحکم* کمال الدین عبدالرزاق کاشانی. به جز آثار مذکور، در هر دو مورد بالطبع از آثار متعدد دیگری نیز استفاده کرده‌ام، اما حقیقت این است که با توجه به وجود آثار فوق، مراجعه به آثار متعدد اما دست دوم و سوم و غیره را که نوعاً از همین آثار سود جسته‌اند چندان ضروری نیافتم، و جز در مواردی محدود کمتر از آنها استفاده کرده‌ام.

حکمت ودانته، به ویژه با تقریر شنکره، از سویی، و حکمت عرفانی ابن عربی از سویی دیگر، چونان اقیانوس‌هایی هستند که نزدیک شدن به آنها برای شخص بی‌بضاعتی چون من که شنا کردن نیز نمی‌دانست، این وحشت را ایجاد می‌کرد که نتواند در برابر موج‌های گوناگون تفاوت‌ها و تعارض‌هایی که احياناً در آثار و اندیشه‌های هردو (شنکره و ابن عربی) ظاهر می‌شوند، تاب آورد، بلکه در شبکه گسترده‌ای از موضوعات و نظریات گرفتار آید و نتواند به نتیجه مطلوبی دست یابد. بدین لحاظ بنا را بر این نهادم که یکی از این اندیشمندان را مبنا قرار داده و دو دیگر را در قیاس با او بسنجم، که در این کار شنکره مبنا قرار گرفت یکی به دلیل تقدم تاریخی و نیز اهمیت او در سنت هندو، و دیگر از آن‌روی که نسبت به ابن عربی برای هموطنان ما کمتر شناخته شده بود و

این ضرورت شناخت او را بیشتر می‌کرد. از این رو در هر موضوع ابتدا نظر او مطرح می‌شود و پس از او به ترتیب نظر رامانوجه و ابن عربی مطرح می‌شوند.

در میان آثاری که در عرفان مقایسه‌ای انتشار یافته بود، دو روش وجود داشت؛ روش اول روشی است که ایزوتسو در کتاب تصوف و آئین دأئو بدان عمل کرده است. در این روش هر یک از دو نظام فکری مستقلاً و به طور کامل مطرح شده و در پایان مقایسه‌ای صورت می‌گیرد. شیوه دوّم، روشی است که او تو در کتاب عرفان در شرق و غرب، به کار برده که نوعی آمیختگی در دیدگاه‌ها وجود دارد و آنها جزء به جزء با هم مقایسه می‌شوند. هر کدام از این دو شیوه محسنات و اشکالاتی داشت، بدین لحاظ روشی که انتخاب شد، تقریباً شیوه‌ای بینابین دو روش فوق است. علاوه بر آن، در بخشی مستقل پس از گذری بر زندگی و آثار هر سه حکیم گزارشی کوتاه و در عین حال نسبتاً کامل از مجموعه دستگاه فکری آنها ارائه شده تا بتوان هر بحث را در سیاق خود نیز مطالعه کرد.

در پایان این مقدمه اشاره به دو نکته را خالی از فایده نمی‌دانم:

۱. در شرح فصوص الحکم قیصری از دو نسخه تصحیح شده، و در شرح ودائته سوتره شنکره، از دو ترجمه بهره برده‌ام. این آثار را در فهرست منابع پایانی با (الف، A) و (ب، B) مشخص کرده‌ام. از این دو، اولی (یعنی نسخه الف یا A) منبع اصلی، و دیگری (نسخه ب یا B) منبع فرعی است.^۱ البته در پانویس‌ها فقط نسخه ب یا B را مشخص کرده‌ام و ارجاعات بدون این علائم، نسخه اصلی است. مشخصات کامل این آثار را می‌توان در فهرست منابع پایانی، مشاهده کرد.

۱. البته فرعی بودن این نسخه‌ها به دلیل اعتبار کمتر آنها نیست، مثلاً با آنکه به اعتقاد نگارنده شرح فصوص قیصری با تصحیح علامه حسن زاده دقیق‌تر از نسخه دیگر است، اما به دلیل آنکه در زمان تدوین هسته اصلی این اثر هنوز انتشار نیافته بود، نسخه دیگر مبنا قرار گرفت.

۲. در پانویس‌ها برای ارجاع به برخی منابع لاتین، به دلیل تکرار فراوان آنها، و برای سهولت، از علائم اختصاری بهره برده‌ام. این علائم و نیز مشخصات کامل کتاب‌شناسی این آثار را نیز می‌توان در فهرست منابع پایانی یافت.



سخن آخر اینکه این نوشتار به جز نگارنده، وامدار کوشش مستقیم و غیرمستقیم گرامیانی است که ناسپاسی است اگر با ذکر نامی یادی از ایشان نشود:

بیش و بیش از همه استادان ارجمند، به ویژه حضرات اساتید دکتر فتح‌الله مجتبابی چهره فروزان و پیشکسوت مطالعات ادیان در ایران که توشه اندک خود در دانش ادیان، به ویژه در دین و فرهنگ هندی را مرهون دانش فراوان و راهنمایی‌ها و عنایات ایشان هستم، و دانشمند وارسته جناب دکتر اعوانی که از محضر علمی و اخلاقی‌شان بهره‌مند شدم؛

سپس دوستان و همکاران، به ویژه دوست ارجمند و فرهیخته‌ام جناب استاد قاسم جوادی که با مطالعه این اثر نکاتی سودمند را یادآور شدند.

همین‌طور شایسته است ارجگزار مجاهدت صادقانه جناب حجت‌الاسلام و المسلمین سید ابوالحسن نواب باشم که با بنیاد نهادن مرکزی برای پژوهش و آموزش ادیان در قم، کاری به ظاهر ناشدنی را ممکن ساختند و با فراهم‌سازی منابع پژوهشی و محیطی مناسب، گامی مهم در رشد و باروری مطالعات ادیان در کشور و به ویژه حوزه علمیه قم برداشتند. بی‌گمان بدون پیگیری خستگی‌ناپذیری دوستان و مسئولان گذشته و حال معاونت پژوهشی دانشگاه ادیان، به ویژه دوستان گرامی‌ام جناب آقای دکتر بهروز حدادی به خصوص در ویرایش علمی اثر و

جناب آقای عزیزاده، این نوشتار که هسته اصلی آن حدود ده سال پیش فراهم آمده بود و به دلایلی فرصت و همت آماده‌سازی آن دست نمی‌داد و اکنون با تغییرات و اضافاتی قابل ملاحظه تقدیم می‌گردد، امکان انتشار نمی‌یافت. سعی جمیل این دوستان را ارج می‌نهم. سرکار خانم سکینه سادات سیدی نیز با پذیرش و تحمل رنج تایپ مجدد این اثر و آقای سید جواد میرقیصری با انجام اصلاحات و صفحه‌آرایی، بر ما منت نهادند، از ایشان نیز سپاسگزارم.

آخرین سپاس خود را به همراهان همیشگی، روشن‌دل و دیده، خانواده و فرزندانم، برای همه همراهیشان، ابراز می‌دارم. برای همه این عزیزان از خداوند رحیم و رحمان تندرستی و عمری سرشار از عزت و برکت آرزمندم. امید است که این نوشتار بتواند مقدمه‌ای بر مطالعاتی عالمانه‌تر و عمیق‌تر در تبیین و مقایسه اندیشه‌های این اندیشوران باشد.

ابوالفضل محمودی

مرداد ۱۳۹۱